

علل کاهش معنویت در خانواده

اعظم نوری*

درآمد

انسان از آغاز پیدایش، همواره به سوی خداوند و معنویت و کمال گرایش داشته؛ یعنی بر اساس فطرتش به معنویت نیازمند است. دین اسلام، به عنوان شریعتی کامل، این نیاز را تأمین نموده، راهکارهای لازم برای رسیدن به معنویت را معرفی کرده است. از جمله رهنمودها، توجه به کانون خانواده و اعضای آن است. خانواده، بنیادی‌ترین نهاد جامعه است و می‌تواند منبع و منشأ تغییراتی بزرگ در سطح جامعه باشد؛ چراکه خانواده همواره منبع تأمین نیروی انسانی کارآمد در جامعه است و بخش بزرگی از اقدامات و رسالت‌های یک فرهنگ یا آیین را برای تحقق جامعه‌ای آرمانی و دین‌دار بر عهده دارد؛ اما متأسفانه، معنویت در خانواده معاصر تا حدودی کاهش یافته است. قرآن کریم می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیضم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.»

* دانش‌آموخته حوزه علمیه.

۱. تحریم، آیه ۶.

مهم‌ترین شاخصه‌های معنویت، باور به وجود خداوند سبحان، اعتقاد به معاد و تسلیم در برابر فرامین الهی است. اگر این امور به طور اعتقادی و عملی در رفتار و اعتقادات و عملکرد اعضای خانواده وجود داشته باشد، می‌توان فضای خانواده را، معنوی و روحانی دانست. امروزه با تغییراتی که در عرصه فرهنگ جهانی روی می‌دهد، امور معنوی تا حدودی کم‌رنگ شده، گویی خانواده‌های امروز در معرض تغییر ارزش‌ها قرار دارند. در این نوشتار، به بیان مهم‌ترین عوامل کاهش معنویت در خانواده می‌پردازیم.

الف. ضعف باورهای دینی

همه جهت‌گیری‌ها و اعمال انسان در زندگی، بر اساس باورها و اعتقادات اوست. اگر باورها در زندگی فردی و اجتماعی، بر اساس عقاید صحیح و در مسیر اهداف آفرینش باشد، زندگی توأم با سلامت و سعادت خواهد بود. از مهم‌ترین اعتقادات در زندگی انسان که به طور مستقیم بر زندگی خانوادگی تأثیرگذار است، خداباوری، اعتقاد به معاد و در نظر گرفتن آموزه‌های دینی در مسائل مختلف زندگی است. بر این اساس، مهم‌ترین عامل ضعف باورهای دینی در خانواده را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. ضعف خداباوری

مهم‌ترین اعتقاد دینی، ایمان به خدا و احساس حضور او در تمام لحظات زندگی است. به تعبیر قرآن، انسان مؤمن، همواره خدا را همراه و شاهد بر اعمال خود می‌داند؛ «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۱ و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم.

با این بینش، تلاش می‌کند همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق دهد. ویژگی‌هایی نظیر: توکل، صبر بر مشکلات، تسلیم و رضا، همگی از آثار خداباوری در وجود انسان است که به خودی خود، فضای خانواده را آکنده از معنویت و رابطه قلبی با خدا خواهد نمود. نبود این اعتقاد یا ضعف آن، موجب ترس از مشکلات، غم و اندوه، پناه‌بردن به پناهگاه‌های پوشالی و غیرخدایی می‌شود؛ اما انسانی که به صورت قلبی به وجود خدا و نصرت و یاری او یقین دارد، هیچ یآوری جز او برای خود نمی‌بیند: «إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ»^۲

۱. ق، آیه ۱۶.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از دعای کمیل.

۲. بی توجهی به معاد

یکی از باورهای مهم دینی که نقش ویژه‌ای در توجه به مسائل معنوی در خانواده دارد، اعتقاد به زندگی پس از مرگ است. امروزه، با وجود پیشرفت‌های علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها در خانواده‌ها رو به فزونی نهاده که بخشی از این مشکلات، در اثر احساس بی‌هدفی و احساس پوچی در زندگی است.^۱

باور به معاد، موجب ایجاد انگیزه و تشویق افراد برای تحمل مشکلات و انجام وظایف خانوادگی و توجه به امور معنوی در فضای خانواده است. قرآن کریم به پاداش‌های فراوان اخروی اشاره می‌کند که در صورت باور قلبی به آن، افراد برای دستیابی به آن، می‌کوشند تا رفتارهای خود را در مسیر رضایت الهی قرار دهند؛ از جمله فرموده: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۲ [به آنها خطاب می‌شود: شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! [این در حالی است که] ظرف‌ها [ی غذا] و جام‌های طلایی [شراب طهور] را گرداگرد آنها می‌گردانند و در آن (بهشت) آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، وجود دارد و شما همیشه در آن خواهید ماند.]

گاهی دیده می‌شود که افراد به دلیل مشکلاتی نظیر فقدان عزیزی یا معلولیت یکی از اعضا یا فقر اقتصادی، به گناهیانی کشانده می‌شوند که آنها را از صراط مستقیم دور می‌کند یا لب به شکوه می‌گشایند و به کفر و الحاد کشیده می‌شوند. باور به معاد در افراد، موجب می‌شود مشکلات دنیا را در برابر آخرت، محدود و گذرا بدانند و با بصیرت به آنها بنگرند. در عرصه خانوادگی نیز زن و شوهر به امید ثواب الهی، صبر و تحمل می‌نمایند و این امر در فرایند استحکام بخشی خانواده بسیار مؤثر است.

بر این اساس، باید زن و شوهر با آموزه‌های دینی آشنا شوند و خداابوری و معادگرایی را در فضای خانواده حاکم نمایند و زندگی علی عليه السلام و حضرت زهرا عليها السلام را الگوی خود قرار دهند.

۱. کارل یونگ، روان‌شناسی و دین، ص ۱۲، ۱۳ و ۱۷۴.

۲. زخرف، آیه ۷۰ و ۷۱.

ب. جنگ نرم

امروزه، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تضعیف ثبات و امنیت اجتماعی و فرهنگی یک کشور، جنگ نرم است که تهدیدی بزرگ به شمار می‌رود؛ یعنی براندازی نرم و تلاش دشمن برای تسلط کامل در ابعاد مختلف بر جامعه. درحقیقت، جنگ نرم عبارت از هر اقدام غیرخسونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد تا در صورت پیروزی، به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید منجر شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم در تعارض است.^۱ حوزه تهدید در جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و برنامه‌ریزی‌های موجود در آن محصول ذهن نخبگان و کارشناسان است که بیشتر از روش القا و اقناع بر ذهن و تفکر مردم تأثیرگذار است. از جمله ابزارهای جنگ نرم در ایران عبارت است از:

۱. ماهواره

این رسانه، از قدرتمندترین رسانه‌های ارتباط جمعی در عصر حاضر است که می‌تواند به راحتی مرزهای میان کشورها و قاره‌ها را درنوردد. در جامعه ایران، با وجود حجم‌های فرهنگی فراوان از سوی دشمنان، این رسانه بیشتر به عنوان ابزاری ضد ارزش‌های دینی و اسلامی، جلوه دارد. از سال ۲۰۰۵ میلادی به بعد، موج گسترده‌ای برای راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان ایجاد شد و در پی آن، ده‌ها شبکه فیلم و سریال‌های جذاب، مد و لباس، برنامه‌های تلویزیونی موسیقی و هرزه‌نگاری، با هدف اثرگذاری بر مناسبات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به راه افتاد.^۲ از جمله اهداف این برنامه‌ها که مخاطب اصلی آن خانواده‌ها هستند، عبارت است از: ترویج خسونت، عادی‌سازی روابط دختر و پسر، ترویج آزادی‌های جنسی، آسان جلوه‌دادن طلاق و شیرین نشان‌دادن زندگی پس از طلاق، عادی‌سازی خیانت همسران^۳، بی‌بندوباری و نوشیدن مشروبات الکلی. همه این امور، به

۱. مسعود کرمی، قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی (مجموعه مقالات قدرت نرم)، ج ۲، ص ۳.

۲. ابراهیم شفیعی سروستانی، «زن؛ نظام سلطه و رسانه‌ها»، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۴۰؛ همچنین ر.ک: مقاله «نگاهی به پیامدهای زبان‌بار ماهواره در خانواده»، نوشته

حجت‌الاسلام محمدرضا بهروز، ره‌توشه راهیان نور، رمضان ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۹.

معنای حذف دین و معنویت از عرصه زندگی است. همچنین تغییر در سبک زندگی دینی، به ویژه حذف حجاب، از مهم‌ترین اهداف ماهواره محسوب می‌شوند.^۱

۲. پایگاه‌های اینترنتی

استفاده از پایگاه‌های اینترنتی، امروزه به یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌ها یا نیازمندی‌های افراد جامعه تبدیل شده؛ هرچند اموری مانند ایجاد دولت الکترونیک و دسترسی به اطلاعات پژوهشی، یکی از آثار ارزشمند این پدیده است؛ اما در کنار آن، اینترنت توانسته سبک زندگی بسیاری از افراد را به شکل منفی تغییر دهد؛ زیرا دسترسی به مسائل غیراخلاقی، دوستی‌های اینترنتی و گسترش و رواج برخی مفسدات اجتماعی، از جمله پیامدهای اینترنت است. یکی از مطالعات در مورد مسائل غیراخلاقی در چت‌روم‌ها نشان داد بیشتر کسانی که با آنها مصاحبه شده بود، هنگام چت به مسائل جنسی و بحث در آن باره می‌پردازند.^۲ متأسفانه، بسیاری از خانواده‌ها نظارت خاصی در مورد استفاده فرزندان و جوانان خود از اینترنت و ورود به پایگاه‌های مختلف ندارند. در این شرایط، درحقیقت، با قراردادن امکانات مختلف برای فرزندان و عدم نظارت کافی، موجب انحراف آنها می‌شوند. بی‌تردید، یکی از مصادیق مهم نظارت والدین بر فرزندان، این است که بر استفاده آنان از فضای مجازی نظارت نمایند. قرآن فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۳

۳. الگوسازی

یکی از اصول مهم روان‌شناسی تربیتی، الگوسازی است. دستگاه آفرینش با توجه به نیازهای انسان در مسیر کمال‌یابی، حس تقلید و همانندگرایی را در وجود بشر قرار داده است؛ به عنوان مثال، کودکان به طور ناخودآگاه، برای پُر کردن خلأ ذهنی خود، از بزرگ‌ترها تقلید می‌کنند و از آنچه در محیط زندگی رخ می‌دهد، متأثر می‌شوند.^۴

۱. رضا کاوند، «مطالعه کیفی نحوه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان»، رساله کارشناسی ارشد، ص ۱۹.

۲. علی ربیعی و آوات رضانیا، «آسیب‌شناسی اینترنت و بحران اخلاقی در جوامع معاصر»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۴، ص ۶۷.

۳. تحریم، آیه ۶.

۴. سید مهدی صانعی، «تقش الگوسازی در رشد و سقوط انسان»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۱۱.

داشتن الگو برای رشد و تعالی، امری لازم و ضروری است. از این رو، قرآن کریم در برخی آیات الگوهایی را برای تأسی بشر برای هدایت معرفی نموده است؛ از جمله فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱

همچنین، نقش الگوهای منفی را در ضلالت انسان را نیز بیان کرده است: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»^۲ و این گونه در هیچ شهر و دیاری، پیش از تو پیامبر انذارکننده‌ای نفرستادیم؛ مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» در این آیه، نقش الگویی والدین برای فرزندان به‌صراحت بیان شده است. امروزه، جهان غرب با الگوسازی از برخی عناصر فاسد و قهرمان‌پروری‌های کاذب، سعی در جذب جوانان به سوی فرهنگ منحط غرب دارد. متأسفانه، غرب در این عرصه موفق بوده است؛ زیرا امروزه بعضی خانواده‌ها و جوانان، تحت تأثیر این الگوها قرار گرفته، نوع لباس را آن‌گونه انتخاب می‌نمایند که در غرب ارائه می‌شود.

۴. گسترش فرهنگ لذت جنسی

از جمله اموری که خانواده‌های غربی را به شدت آسیب‌پذیر نموده، گسترش بی‌بندوباری‌های جنسی است. تبلیغ آزادی‌های جنسی، یکی از دستاوردهای انسان‌محوری به جای خدامحوری در جهان غرب است؛ به این معنا که آدمی می‌تواند خارج از هر چهارچوب، تنها در بند غرایز زندگی کند. به دنبال این تفکر، علاوه بر روابط نامشروع زن و مرد، شکل‌های دیگری از انحرافات جنسی مانند همجنس‌گرایی، در جهان غرب ایجاد شده و ناهنجاری‌های فرهنگی، از طرق مختلف به دیگر کشورها تزریق می‌شوند؛^۳ درحالی‌که روابط انحرافی در جامعه، مشکلات بسیاری را برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند. بر اساس فرهنگ اسلامی، به اشباع قانونی غریزه جنسی توجه شده و از لذت‌گرایی جنسی به معنای غربی آن، نهی گردیده است. به قول سعدی شیرازی:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت ندانی

۱. احزاب، آیه ۲۱.

۲. زخرف، آیه ۲۳.

۳. ر.ک: میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۳۳۴.

ج. گسترش گناه

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل عدم توجه به امور معنوی، گسترش گناه و معصیت در رابطه دوسویه خانواده و جامعه است. به تعبیر قرآن کریم: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛^۱ و اینکه برای انسان، بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.» بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت هنگامی که گناهای نظیر استفاده از مال حرام، گناهان جنسی و بی‌توجهی به انجام واجبات و ترک محرمات وجود دارد، فضای خانواده توأم با معنویت و یاد خدا باشد. به بیان مولوی:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید ندادها را صدا^۲
در برخی روایات به تأثیر گناه در کاهش امور معنوی اشاره شده است. در روایتی آمده، شخصی از امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام سؤال کرد: چرا از شب‌خیزی و از خواندن نافله سحر محروم؟ فرمود: «أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ؛^۳ مردی هستی که گناهانت، دست و پایت را به غل و زنجیر بسته‌اند.»

امام صادق علیه السلام نیز فرموده: «إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السُّكِينِ فِي اللَّحْمِ؛^۴ کسی که مرتکب گناهی شود، از نماز شب محروم می‌گردد. به درستی که نفوذ اثر کار ناپسند در انجام‌دهنده آن، از نفوذ چاقو در گوشت سریع‌تر است.»

د. دنیاگرایی و تجمل‌پرستی

در سالیان اخیر، با رشد فناوری و افزایش رفاه‌طلبی، زندگی‌های ساده‌سنتی، تغییرات گسترده‌ای نموده، وسایل رفاهی گسترش یافته و بسیاری از افراد جامعه به دنبال امکانات بیشتر و بهتر هستند. این امر، موجب اصل قرارگرفتن امور دنیوی در برابر مسائل معنوی شده است؛ درحالی‌که خداوند دنیا را در اختیار بشر قرار داده تا بتواند به وسیله آن، توشه‌ای

۱. نجم، آیه ۳۹.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۵۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.

برای آخرتش برگردد؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛^۱ ما آنچه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند.» همچنین در مورد واقعیت زندگی دنیوی در قرآن کریم آمده است: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا؛^۲ بدانید که زندگی دنیا، تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد؛ [اما] سپس خشک می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی.»

این آیه، ترسیمی برای برخی خانواده‌هاست که در تب‌وتاب کسب ثروت و تجمل‌گرایی قرار گرفته‌اند تا حدی که نه تنها خود، بلکه فرزندان‌شان را با سوق‌دادن در این مسیر، از فهم فلسفه اصلی زندگی چند روزه دنیا و امور معنوی محروم نموده‌اند. اگرچه گفته می‌شود گرایش به معنویات جزئی از فطرت انسان است، اما به گفته استاد قرائتی اگر دهانه ظرفی به طرف آسمان باشد، باران در آن وارد می‌شود؛ ولی اگر به طرف زمین قرار بگیرد، از نزولات آسمانی بهره‌ای نخواهد برد؛ چنین است انسانی که دهانه روحش به جانب مادیات باشد. بدیهی است که از باران معنویت الهی بی‌نصیب خواهد بود.^۳

ه اعتیاد به مواد مخدر

امروزه، دانشمندان علوم اجتماعی رابطه منفی معنویت با احتمال مصرف مواد مخدر را در بسیاری از تحقیقات خود به اثبات رسانده‌اند. نوجوانانی که به اهمیت نقش مذهب و معنویت در زندگی پی برده و در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند، از احتمال کمتری جهت ورود به رفتارهای پُرخطر مانند سیگارکشیدن یا مصرف الکل برخوردارند.^۴ همچنین،

۱. کهف، آیه ۷.

۲. حدید، آیه ۲۰.

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۸.

۴. سید علی حسینی مدنی و دیگران، «مقایسه تاب‌آوری سبک‌های هویتی، معنویت و حمایت اجتماعی

ادراک‌شده در افراد معتاد، غیرمعتاد و بهبودیافته»، فصلنامه اعتیادپژوهی، ش ۲۱، ص ۵۰.

کسانی که به مصرف مواد مخدر و استفاده از داروهای روان‌گردان روی می‌آورند، مفاهیمی مانند: خدا، مسئولیت دینی و اعمال نیک میان آنها سست شده یا به طور کلی محو می‌شود. مصرف‌کنندگان این مواد به منظور تأمین مواد مخدر، خواه‌ناخواه مرتکب جرایمی می‌شوند که معنویت، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. این گروه‌ها، به طور طبیعی، به معاشرت با افراد ناباب، حضور در مکان‌های آلوده و انواع جرایم مانند دزدی یا قتل سوق داده می‌شوند. در این شرایط، هیچ جایی برای دین و معنویت در زندگی آنها باقی نخواهد ماند.

مست می‌خورده از این‌سان نبود زیرا تو چنین بی‌هش و ملدهوش از ایفونی^۱ قرآن کریم به صراحت به مسلمانان فرمان می‌دهد که خود را به هلاکت و تباهی نیفکنند؛ «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۲ خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید.» اعتیاد به مواد مخدر، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی فرد و خانواده است که در آیه شریفه، از آن نهی شده است. به تعبیر مرحوم طباطبایی، آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود، نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود.^۳

ز. فقر

یکی از ارکان مهم خانواده، بخش اقتصاد و تأمین معیشت است. به همین دلیل، در برخی احادیث، برخورداری شوهر از دارایی نسبی، جزء معیارهای همسرگزینی قلمداد شده است.^۴ البته با جمع‌بندی روایات می‌توان ارزش‌هایی مانند: قناعت، کم‌هزینه‌بودن زندگی و پرهیز از تجمل‌گرایی را در کنار تلاش برای تأمین رزق، جزء اولویت‌های زندگی قرار داد. در روایتی آمده است: «مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ خِفَّةُ مَوْوَنَتِهَا»^۵ سبک‌بودن هزینه‌های زن، موجب برکت اوست.» اما به هر حال، مشکلات مالی می‌تواند باعث ایجاد دغدغه‌های ذهنی باشد و

۱. ناصر خسرو، دیوان اشعار، ص ۳۶۷، قصیده ۲۷۳، بیت ۲۲.

۲. بقره، آیه ۱۵۹.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۴.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱ و ۵۲.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

بر اساس روایات، گاه می‌تواند پایه‌های ایمان را به لرزه درآورد. امام علی علیه السلام در مورد تأثیر فقر اقتصادی بر جنبه معنوی زندگی انسان، به فرزندش محمد حنفیه فرمود:

«فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ چرا که فقر، دین آدمی را ناقص و عقل و فکر او را مضطرب و مردم را نسبت به او و وی را نسبت به مردم، بدبین می‌سازد.»^۱

امروزه، به دلیل مصرفی‌شدن خانواده‌ها و افزایش تجمل‌گرایی، گاهی دیده می‌شود که مردان از عهده تأمین هزینه‌ها برنمی‌آیند. گاه بر اثر زیاده‌خواهی‌ها، برخی به سوی درآمد حرام کشانده می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این مسئله و ورود لقمه‌های حرام به عرصه خانواده، گرایش به گناهان بیشتر است. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده: «كَسْبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الذُّرِّيَّةِ»؛ درآمد حرام، در فرزندان اثر [نامطلوب] می‌گذارد [و هدایت آنها را دچار مشکل می‌کند].»

ح. برداشت‌های انحرافی از معنویت

گاهی در خانواده‌ها دیده می‌شود که برداشت‌های درستی از سبک زندگی اسلامی و معنویت وجود ندارد؛ به عنوان مثال، ممکن است برخی زنان به رعایت کامل حجاب و عدم اختلاط با نامحرمان توجه چندانی نداشته باشند، اما به دادن نذری و یا حضور در مراسم مذهبی علاقه‌مند باشند. این امور، نتیجه شناخت ناکافی و غیرصحیح از سبک زندگی دینی است و یا اینکه والدین به دلیل نداشتن اطلاعات و آموزش‌های کافی، نمی‌توانند ارزش‌های اسلامی را به فرزندان خود منتقل کنند. گاهی دین‌داری میان اعضای خانواده، به صورت فصلی است؛ مثلاً هنگام مواجهه با مشکلات یا در ماه رمضان یا محرم، به معنویات توجه می‌کنند و در دیگر ایام، خود را بی‌نیاز از امور معنوی می‌بینند؛ چنان‌که قرآن فرموده:

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ»^۳ هنگامی که به انسان زیان [و ناراحتی] رسد، ما را در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۳.

۳. یونس، آیه ۱۲.

مجلس ششم: علل کاهش معنویت در خانواده ■ ۸۷

ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است.»

مواردی که در این مقاله یادآور شدیم، به طور کلی، از دلایل عمده کاهش معنویت در خانواده معاصر ایرانی است که اثر هریک را می‌توان با اتخاذ راهکارهای مناسب و بهره‌گیری هرچه بیشتر از رهنمودهای دینی، در جامعه کاهش داد.